

اهمیت و جایگاه نقش هویت در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای میانه

براساس رهیافت سازه‌نگاری

عبدالعلی کیاپاشا^۱ - سید فرشید جعفری پابندی^{۲*} - حسن عیوض‌زاده اردبیلی^۳ - اصغر پرتوی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

چکیده:

این مقاله درصدد بررسی اهمیت و جایگاه نقش هویت در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با آسیای میانه بر اساس رهیافت سازه‌نگاری است. سوال اصلی پژوهش این است که جایگاه هویت از عناصر مشترک تمدنی از قبیل جغرافیای مشترک، تاریخ، آداب و رسوم، فرهنگ، مذهب، زبان بر اساس رهیافت سازه‌نگاری چه تأثیری در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای میانه می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه پژوهش این است که جایگاه هویت (وجود عناصر وارث تمدنی مشترک)، براساس رهیافت سازه‌نگاری در توسعه روابط ایران با کشورهای آسیای میانه که هر یک از کشورها مشکلات خاص خود را دارند. اگرچه در برخی موارد تأثیر منفی داشته است، نقش مثبتی را در همگرایی و توسعه روابط میان ایران با آسیای میانه داشته باشد. نتایج محقق نشان می‌دهد کشورهای آسیای میانه بتوانند از حصر خشکی و ایران علاوه بر بازار آسیای میانه و منابع سرشار از انرژی و کانی‌های مختلف منطقه بتوانند از طریق اوراسیا به اروپا متصل شود و از نفوذ تروریسم و قاچاق و استعمارگران جلوگیری و ضریب امنیت طرفین تضمین شود. روش تحقیق علی و معلولی توأم با توصیفی و تحلیلی بوده است.

واژگان کلیدی: سازه‌نگاری، هویت، سوق‌الجیشی، ترانزیت، استراتژیک، هسته‌ای

پرتال جامع علوم انسانی

JPIR-2012-1694

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

^۲ - استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران: نویسنده

مسئول

fjafari2@gmail.com

^۳ - استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

^۴ - استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

مقدمه

در بین کشورهای منطقه با توجه به آسیای میانه، کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان سالیان زیادی در حوزه گستره تمدنی ایران بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ میلادی، سیاست خارجه ایران دگرگون شد. از طرفی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی ژئوپلیتیک منطقه تغییر پیدا کرد. استقلال کشورهای آسیای میانه و سهم‌خواهی روسیه از یک طرف دیگر اندر کنش و تعارض، رقابت، همسوی راهبردی، روابط نظامی، اقتصادی، سیاسی استراتژیکی فرامنطقه و چالش‌های منطقه پیرامون اختلاف قومی، مرزی را نباید فراموش کرد. اهمیت منطقه مساحت حدود چهار میلیون و دویست هزار کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر بازار مناسب اقتصادی، وجود گاز، نفت، کانی-های کمیاب، اورانیوم و فرآورده‌های هسته‌ای و صنعتی، فلزات گرانبیامت به‌خصوص طلا، نقره، کشاورزی، آب فراوان در خود جای داده است. چهار نکته مهم: ۱- نیاز آسیای میانه به ایران برای رهایی از حصر خشکی و دستیابی به آب‌های آزاد جهان ۲- نیاز ایران به منطقه اوراسیا دستیابی به بازار اروپا ۳- نیاز مشترک بالا بردن ضریب اطمینان منطقه ۴- دسترسی به بازار یکدیگر که در توسعه نقش بسزایی دارند. با توجه به عنوان پژوهش، جایگاه هویت در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای میانه بر اساس رهیافت سازه‌نگاری از دیدگاه اندیشمندان سازه‌نگاری، نیکلاس اونف بنیانگذار سازه‌نگاری و غیره و سرانجام الکساندر ونت محوری‌ترین آن است. علاوه بر دیدگاه مادی، به معنا و پدیده‌های اجتماعی و روانشناسی، هنجارها، انگاره‌ها توجه خاصی داشت که هویت قوام بخش ساختار و کارگزار، کنش و واکنش‌ها، در قالب هم نهاد می‌باشد را برجسته کرد. پوزیتیویستی را به پسااثبات‌گرا در نظام بین‌المللی مطرح کرد، ناتوانی نظریه‌های قبلی و عدم پیشگویی فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و تک قطبی شدن نظام بین‌المللی را به چالش کشاند. با توجه به موارد فوق الذکر، واگرایی را به هم‌گرایی، و از نفوذ بیگانگان جهت ایجاد چالش جلوگیری کرد و منافع ملی طرفین را در یک بازی راهبردی، برد با برد هموار و ارتقاء داد و عناصر هویت و وارث تمدنی را احیاء کرد تا ضامن توسعه پایدار و همه‌جانبه باشد.

پیشینه پژوهش

پیرامون بعضی از کشورهای آسیای میانه به زبان‌های مختلف و پراکنده مطالبی ارائه شد که شامل کل آسیای میانه نمی‌باشد. پژوهشی تحت عنوان بررسی جایگاه هویت در توسعه روابط بین جمهوری اسلامی و آسیای میانه براساس رهیافت سازه‌نگاری از بین کتب و مقالات

داخلی و خارجی مشاهده نگردید.

تاکنون در مورد آسیای میانه با موضوعات مختلف کتاب‌ها و مقالات منتشر شده به توضیح مختصری پیرامون آنها می‌پردازیم. یکی از مهمترین منابعی که در نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل الکساندر ونت ترجمه حمیرا مشیرزاده (۱۳۸۴)، در مورد نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل نیمه نخست کتاب تحلیلی است، موضوعات مطرح شده در این بحث بخش فلسفی هستند. آن را نوعی معناگرایی یا معناگرایی ساختاری خواهیم دید هرچند آن را صرفاً رهیافت سازه‌انگاری به سیاست بین‌الملل نامیده در کل نوعی نظریه اجتماعی کاربردی دانست.

- پیرامون جامعه‌شناسی‌های چهارگانه سیاست بین‌الملل

کتاب دوم تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل نویسنده حمیرا مشیرزاده ۱۳۸۶ تهران کتاب دیگر نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نویسندگان نسرین مصفا با همکاری حسین نوروزی ۱۳۸۵

کتاب دیگر دکتر الهه کولایی (طبرستانی) تحت عنوان سیاست و حکومت در آسیای مرکزی با یک مقدمه و شش فصل

کتاب دیگر در سال ۱۳۹۴ نویسنده ولی کوزه‌گر کالجی، با دیپاچه‌ای از سرگئی مارکرونف ایران، روسیه، چین، در آسیای مرکزی

کتاب دیگر نویسنده آقای اصغر پرتوی، تحت عنوان جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چالش‌های هویت ملی در ایران معاصر با یک مقدمه و پنج فصل

مقاله‌ای که فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۳۷ شماره ۴ به صورت پراکنده و گسسته پیرامون سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی نویسندگان، ابراهیم متقی و حجت کاظمی، سازه‌انگاری به عنوان یک روش بحث در حیطه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، الگویی جوان محسوب می‌شود که بر مباحث فلسفی در حیطه علوم اجتماعی مبتنا دارد. مقاله در یک مسیر منطقی ابتدا به ارائه بینش فلسفی سازه‌انگاری روابط بین‌الملل زمانه و دلایل ظهور و گسترش این روش‌شناسی را مورد بحث قرار می‌دهد.

مقاله دیگر دوره ۵ شماره ۱۹ توسط نویسنده حسن عیوض‌زاده اردبیلی، به عنوان ساخت موضوعی امنیت از دیدگاه سازه‌انگاری، در ورود بحث مفهوم امنیت، مفهوم قدرت تقابل میان رویکردهای آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه در خصوص مفهوم موضوع امنیت، مطالعات راهبردی و عملکرد سیاست‌گذاران دولت‌ها را از دیدگاه سایر دانشمندان را بیان داشته و با بهره‌گیری از

آنها، روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، بیان می‌دارد و گفتمان مشتمل بر دو موج مطالعاتی مدرن و پسامدرن امواج سوّم و چهارم در مطالعات امنیتی و در ادامه، فرهنگ‌گرایی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، در دو دسته نظریه فرهنگی می‌باشد.

هویت ملی ایران به آرامی و در طی تاریخی طولانی شکل گرفته و استحکام یافت و مانند چتری فراگیر در سرخرده هویت‌های درون مرزهای سیاسی این سرزمین گسترده گردیده است.

عناصر و مؤلفه‌های سازنده هویت ملی ایرانی از جمله عنصر سرزمینی، تاریخ، میراث سیاسی و فرهنگی و دینی مشترک ایرانیان از چندین قرن قبل از میلاد مسیح شکل گرفته و در دوره‌های بعدی همراه با فراز و نشیب‌ها و چالش‌های متعددی استمرار یافت. (احمدی، ۱۳۸۹ و پرتوی، ۱۳۹۶: ۲۱) از لحاظ توپوگرافی بیشتر منطقه را احاطه کرده که بزرگترین کشور از لحاظ مساحت قزاقستان است. ۲۷۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع و قرقیزستان با ۱۹۹۹۰۰ کیلومترمربع، ترکمنستان ۴۸۸۱۰۰ کیلومترمربع، تاجیکستان ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع است و ازبکستان ۴۴۷۴۰۰ کیلومترمربع است که با جمعیت ۳۲۰۰۰۰۰۰۰ نفر پرجمعیت‌ترین کشور آسیای میانه است. (همان، ۷۷-۷۳) به طور کل در طول تاریخ، کمتر یک قدرت توانسته است بر این منطقه به صورت یکپارچه دور از دغدغه حکمرانی کند آن‌هم به چند علت وجود زبان‌های مختلف و حکومت دست‌نشانده و ترکیب جمعیتی ناهمگون تقسیم‌نشدن منابع و شرایط جغرافیایی و تفاوت‌های آن، تقسیم برون بومی به طور کل وسعت منطقه حدود ۴۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر و جمعیت آن حدود ۷۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. (کولایی، طبرستان، ۱۳۹۶: ۷) نزدیک‌ترین جا به اروپا و آسیاست که به عنوان اوراسیا مطرح است نزدیک‌ترین راه به اروپاست. از لحاظ سوق‌الجیشی در طول تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و تا حدودی در قلب آسیای غربی، هارتلند نامگذاری شده است. (نزاکتی، ۱۳۹۶: ۱۲۴ و خیری، ۱۳۷۹: ۱۸۸ و کامینگر، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۴)

جمهوری اسلامی ایران باید با تدبیر و مدیریت از داشته‌های خود استفاده کند تا بتواند روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را با آسیای میانه مستحکم نماید و فرصت را به دیگران واگذار نکند و به نحو احسن از آن بهره‌برداری کند و در چارچوب به رسمیت شناختن کشورهای منطقه و برقراری جایگاه هویت در جهت توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با آسیای میانه بر اساس رهیافت سازه‌نگاری و حفظ منافع طرفین در قالب رابطه برد-برد-گام-هایی برداشته و با آسیب‌شناسی توسعه روابط بر اساس هویت با رهیافت سازه‌نگاری تقویت

نماید. در ادامه از اینترنت و سایت علمی پژوهشی، علمی ترویجی داخلی و بین‌المللی تا اینجا برای پیشینه تحقیق بهره جستیم.

مبانی نظری

- سازه‌انگاری از دیدگاه الکساندر ونت

الکساندر ونت در سال ۱۹۹۲، مقاله‌ای با عنوان **آنارشی آن چیزی نیست که دولت‌ها ساخته‌اند: ساخت اجتماعی سیاست قدرت** در مجله علمی در سازمان‌های بین‌المللی به چاپ رساند. (Wendt, 1992: 391-425) ونت در این مقاله اقدام به شرح آنچه که بعداً در قالب سازه‌انگاری اجتماعی در نظریه روابط بین‌الملل متداول گشت قبلاً کراتوچویل (Kratochwil, 1995: 128) و اونف (Onuf, 1989: 37-39) و راگی (Ruggie, 1998: 33) در این سنت فکری کار کرده بودند که شالوده و پایه فکری سازه‌انگاری در نظریه و عمل روابط بین‌الملل را انعکاس می‌دهد. می‌توان به طور خلاصه به نکات برجسته آن اشاره کرد.

- ۱- تعهد به خردگرایی به عنوان بخشی از مبانی فکری نوواقع‌گرایی و نولیبرالیسم. انتخاب عقلانی به عنوان یک نظریه اجتماعی «هویت و منافع کارگزاران را امری برون‌زا» تلقی می‌کند.
- ۲- نظریه‌پردازان دیگر می‌توانند در جلب توجه رشته روابط بین‌الملل به هویت‌ها و منافع به ما کمک کنند. (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۶ و ۱۶۷-2: 391-2, 1992: Wendt)
- ۳- نو واقع‌گرایانی همچون والتز بیشترین وزن تبیینی را به عوامل قطع نظام (سیستمیک) داده‌اند.
- ۴- اصل خودیاری و سیاست قدرت چندان ثابت و اصول قطعی غیرقابل تغییر نیستند.
- ۵- توزیع قدرت اهمیت دارد. ولی تأثیرات آن قابل پیش‌بینی نیست.
- ۶- شیء‌انگاری آنارشی موجب غفلت ما از عدم قطعیت‌ها در روابط بین‌الملل می‌گردد.
- ۷- ماهیت نامشخص تعریف والتز از ساختار (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۸ و ۱۶۹-400: 393-400, 1992)

ونت اقدام به بررسی وضع طبیعی، (بحث خود و دیگر) تغییرات نهادی عبارت قدرت (در مقاله دوم خود اقدام نمود) احتمالات مختلف دگرگونی در نظام (گورباچف رئیس جمهور شوروی سابق را شاهد مثال می‌آورد) ونت با ذکر تجربه اتحاد جماهیر شوروی که زمان گورباچف پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دوقطبی گردید. (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۶۶)

۸- تغییرات نهادی سیاست قدرت

۹- احتمالات مختلف دگرگونی در نظام (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۴۲۲-۴۱۹)

۱۰- نظریه‌های روابط بین‌الملل با نظریه‌های اجتماعی پیوند نزدیکی دارند. (Wondt, 1992: 422)

۱۱- دولت‌های حاکم همچنان مهمترین بازیگران روابط بین‌الملل هستند.

۱۲- آیا امکان ایجاد پلی میان فردگرایی و بازاندیشی‌گرایی وجود دارد؟ (ذوالقدر و میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۴۲۴-۳۹۵)

به طور خلاصه مقاله ونت به عنوان شالوده تفکر سازه‌انگاری اجتماعی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.

سیاست‌هایی را قبول دارند که مؤید اهداف و ارزش‌های اخلاقی مورد قبول نظریه باشند که باید موجب افزایش آگاهی مشترک شوند. که به ایجاد جهانی صلح‌آمیزتر و برابرتر مقاومت در برابر کنترل چیزی جریان و پیشبرد رهایی بشر کمک کند. (همان، ۱۳۹۲: ۱۷۰)

با توجه به موارد ذکر شده میتوان نظریه اجتماعی به منزله تفکری سازه‌انگانه در این موضوع محسوب کرد. نوعی جهان‌بینی سازه‌انگانه در بنیان نظریه‌های کلاسیک بین‌الملل، گروسیوس، کانت و هگل را دارد. طی دو جنگ جهانی به رشته روابط بین‌الملل حاکم بود و دانشمندان روابط بین‌الملل آن را به شکلی کم و بیش تحقیرآمیز «آرمان‌گرایی» می‌خوانند در دوران پس از جنگ (دوم جهانی) کارل دوئیچ، ارنست هاس، هدلی بول رهیافت‌های سازه‌انگانه مهمی روابط بین‌الملل ارائه کردند. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۵)

- تقسیم‌بندی‌های مکتب سازه‌انگاری

از سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل تقسیم‌بندی‌های مختلفی شده است مثلاً کوتز و لپنج معتقدند که سازه‌انگاری به رغم هستی‌شناسی مشترک بر حسب تفاوت معرفت‌شناسی به دو شاخه: ۱- سازه‌انگاری مدرن و ۲- سازه‌انگاری پست مدرن تقسیم می‌شود.

۱- سازه‌انگاران مدرن یا پوزیتیویستی: آنها کسانی را معرفی می‌کنند که معتقدند فهم مفسر از روابط بین ذهنی ثابت بوده و می‌توان جهان را بر حسب شرایط چند علی تحلیل نمود. ساختار و کارگزار را به مثابه متغیرهایی می‌دانند که باید به آزمون کشیده شوند و نکته دیگر اینکه به سؤالات چرایی و تقسیم فرضیات می‌پردازند.

۲- سازه‌انگاران پست مدرن: از نظر کلتوربرنا پایداری معانی و چرخه هرمنوتیکی برای فهم معناها و اجتناب از تبیین‌های علی متمرکز هستند و کمتر به تعمیم اهمیت می‌دهند. (Klotz and Lynch, 2006:358، رمضانزاده و جوکار، ۱۳۸۸: ۱۳۶)

اما تقسیم بندی دیگر و به نظر کامل تری را امانوئل آدلر بر اساس چهار گرایش فکری مطرح می کند که عبارتند از: ۱- سازه‌انگاری مدرنیستی، ۲- سازه‌انگاری مدرنیستی زبانی ۳- سازه-انگاری رادیکال ۴- سازه‌انگاری انتقادی بر گرایش‌های فکری تأویل‌گرایان عینی نوکانتی، تأویل‌گرایان ذهنی زبانی، تئوری انتقادی و رادیکال هستند. (Adler, 2005:96) از نظر آدلر، سازه-انگاری از لحاظ ریشه‌یابی به کانت می‌رسد که ایان هاکینگ وی را به عنوان پیشاهنگ بزرگ سازه-انگاری مطرح می‌کند و نوکانتی‌ها این نگرش را به ساختار طبیعت و از ساختار طبیعت به فرهنگ منتقل کردند. (رمضان‌زاده و جوکار، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

گروه اول: براساس برنامه گسترده سازه‌انگاری در علوم اجتماعی بر پایه چرخشی است. از آگاهی به زبان، و از هرمنوتیک عینی به هرمنوتیک ذهنی این گرایش به وسیله مارتین هایدگر و لودویک و تینگشتاین رهبری می‌شد. این نگرش مستقیماً با ادعاهای پوزیتیویستی چون قوام یافتن حقایق اجتماعی به وسیله زبان و اینکه آگاهی تنها حاصل از زبان است مخالفت می‌کردند. (همان: ۱۳۷)

گروه دوم: سازه‌انگاری زبانی مدرنیستی یا (حکمی) نتیجه ترکیب تأویل‌گرایی ذهنی با علاقه شناختی گروه محافظه‌کارانه در تبیین و فهم واقعیت اجتماعی است. سازه‌انگاران حکم محور یا زبانی مدرنیستی چون فردریش کراتوچویل (۱۹۸۹)، نیکلاس اوف (۱۹۸۹ میلادی) اعتقاد دارند که به دلیل تقدیم معرفت‌شناسی، فهم واقعیت اجتماعی به معنی کشف فرایندی است که به وسیله آن واقعیت اجتماعی به وسیله زبان و احکام قوام یافته است. آنها علاقه-مندند به تبیین اینکه چطور احکام اجتماعی (شامل احکام حقوقی) و چیزی که آستین وی پرل (کنش کلامی) می‌نامد- فرایندی را می‌سازند که به وسیله آن مردم و جامعه را به صورت مستمر و متقابلی، قوام می‌بخشند.

گروه سوم: رادیکال‌ها، به‌طور کلی به یک جنبش ضد پوزیتیویستی تبدیل شد که در بهترین حالت همیشه به وسیله (content) اجتماعی‌اش محدود شده است و در بدترین حالت به مثابه یک گفتمان است؛ نمی‌تواند شناخت عینی را به دست آورد.

گروه چهارم: تئوری انتقادی سازه‌انگاری، در آن مکتب فرانکفورت است. این مکتب میان برنامه گسترده و نحیف از سازه‌انگاری قرار دارد و سعی در ترکیب تأویل‌گرایی عینی و زبان فلسفه دارد. تئوری انتقادی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل براساس نگرش هابرس از فلسفه زبانی، ادعاهایی را در مورد تمایز علوم انسانی از علوم طبیعی، امکان توضیح علوم اجتماعی و پیشرفت انسانی را بیان می‌کند. این برداشت از سازه‌انگاری در میانه نگرش‌های متعارف

و رادیکال قرار می‌گیرد. (Adler, 2005:98) در ادامه نگرش‌های سازهانگاران رادیکال را پسا-ساختارگرایان پست مدرن‌ها و فمنیست‌های پست‌مدرن (Adler, 2005:98) و رمضان‌زاده و محمدصادق جوکار، (۱۳۹۸: ۱۳۸)

هنگامی که جهانیان با بهت و حیرت شاهد فروپاشی امپراطوری قدرتمند اتحاد جماهیر شوروی بودند، اردوگاه سرمایه‌داری با افتخار خود را برنده جنگ سرد و پیروز تقابل با ایدئولوژی مارکسیسم اعلام کرد. اما در میان این شور و شعف در جهان غرب شک و تردید در تئوری‌های سیاسی و روابط بین‌الملل که نتوانسته بودند این فروپاشی عظیم ایدئولوژیکی و متلاشی شدن جغرافیای پهناور سرزمین این کشور را در حد اندک هم پیش‌بینی کنند. (رئیس، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

تئوری‌های سیاسی در قالب اندیشه نوواقع‌گرایی و نولیبرالیسم که تأکید بر منافع مادی قدرت در سیاست داشتند نمی‌توانستند شرایط ایجاد شده را تحلیل حتی پیش‌بینی کنند در این راستا، از نظریه‌ها به فرانظریه یا برسازی و سازهانگاری روی آوردند. تحلیلگران سیاسی و دانشمندان روابط بین‌الملل جهت بیرون رفت ناتوانی فکری نظرات پوزتیویستی و فردگرایی، توجه خود را به سمت ابزارهای غیرمادی قدرت بازیگران غیردولتی، هویت در قالب فرهنگ، زبان، آداب، و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی متمرکز کردند و در این مقوله بررسی نقطه نظرات دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. نتیجه این تلاش‌ها علاقه-مندی به ترویج توسعه سازهانگاری در روابط بین‌الملل را بیشتر کرد. (آندرلیک، ۱۳۸۶: ۲۱۰)

که برجسته‌ترین آن ونت که دانش را فرهنگ و معانی تعریف کرد. از نظر ونت، مادی‌گرایان بنیادی‌ترین واقعیت‌ها در مورد جامعه را سرشت و سازماندهی نیروهای مادی می‌دانند در حالی که معناگرایان بنیادی‌ترین اصل را سرشت و ساختار آگاهی اجتماعی می‌دانند که به معنای توزیع انگاره‌ها و شناخت. همچنین بر اساس دیدگاه وی این ساختار شناختی مشترک هستند که به عنوان بستر منابع مادی عمل می‌کنند و به آنها معنا لازم را برکنش انسانی می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۶)

پیرامون سازهانگاری باید مقدمه و سیر تکاملی آن یعنی نظریه‌ها به طور کامل متمرکز بر مبنای نظری باشند. ولی سازهانگاری علاوه بر مبنای نظریه به فرا نظریه تأکید خاصی دارد که در چهارچوب سه اصل: ۱- هستی‌شناسی (Ontology) ۲- معرفت‌شناسی (Epistemology) ۳- روش‌شناختی (Methodology) استوار است که مبنای آغازین آن برسازی است.

الکساندرونت به عنوان سازهانگاری میانه‌رو معتقد است که کنشگران سرشتی کاملاً اجتماعی دارند. به این معنا که این تعاملات با رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای

اصولی و انگارهای نهادینه‌اند که به هویت آنها قوام می‌بخشد. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۹)

مهمترین فرض‌های هستی‌شناختی دیدگاه، سازه‌انگاری به شرح زیر است:

۱- بر ساخته بودن: هویت و اهمیت ساختارهای معنایی در آن بر این اساس هویت کنشگران مفروض و ثابت نبوده و محصول ساختارهای اجتماعی میان ذهنی است. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۶)

۲- رابطه کارگزار- ساختار: از نظر کارگزار و ساختار به صورت متقابل قوام می‌یابد. این فرض به نظریه ساختاریابی (شهیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۵) مطروحه توسط آنتونی گیدنز باز می‌گردد. (همان) گیدنز با فرا رفتن از دوگانه انگاری کارگزار و ساختاریابی بر این باور است که ساختار-های اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند ولی در عین حال ابزار و وسیله این ساخت نیز هستند. (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۳۱۵)

۳- نقش هویت در شکل دادن به منافع: از این نظر هویت و منافع در سیاست بین‌المللی پایدار نبوده و دارای سرشتی از پیش داده شده نیستند؛ این مسأله همچنان که در مورد هویت دولت کشورهای دارای حاکمیت صادق است برای هویت آثار بین‌المللی نیز صادق است. مسأله مهم آن است که هویت‌ها و منافع چطور بر ساخته می‌شوند و چطور آنها از طریق تعامل بین‌المللی مشخص شناخته می‌شوند. (Weber, 2002: 60)

فرهنگ تاجایی اهمیت دارد که محاسبات کنشگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد نه و بیش و نه کم.

تعریف هویت: هویت در معنای فلسفی آن است از آنچه که چیزی را به آن چه هست تبدیل می‌کند. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نهادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهمترین عناصر و نهادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند. از سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ زبان و ادبیات مردم و به طور کل میراث فرهنگی و دینی یک سرزمین در طی اعصار طولانی به عقیده یوسفی در درون یک اجماع ملی میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور شدت احساس هویت ملی آنها را مشخص می‌سازد (بحث سرزمین شامل جمعیت و عناصر مشترک تمدنی و فرهنگی را شامل می‌شود) سر لوحه آن امنیت در تعامل میان هویت‌های مختلف و با ایجاد قواعد و هنجارهای میان ذهنی در جهان فرهنگی شده روابط بین‌الملل معاصر تکوین می‌یابد. (عیوض‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۱: ۵)

هویت را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: ۱- گسترش ذات انگارانه کهن‌گرا به هویت ۲-

نگرش بر ساخت‌گرایی هویت ۳- نگرش بنیادین (رمضان‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۵)
انواع هویت: شخصی با جمعی پیکروار (Corporate) ۲- نوعی (Type) ۳- مبتنی بر نقش
(Role) ۴- جمعی (Collective) این قطعی هستند در یک سطح خام و ابتدایی به نظر می‌رسد. (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۳۹-۳۲۶)

یک کنش اجتماعی را می‌توان به چهار صحنه تقسیم کرد:

- ۱- «خویشتن» بر اساس تعریف پیش خود از وضعیت وارد نوعی کنش می‌شود. این علامتی است به «دیگری» در مورد نقشی که «خویشتن» می‌خواهد در تعامل به عهده گیرد.
- ۲- «دیگری» معنای کنش «خویشتن» را می‌سنجد. تفاسیر متعددی ممکن است زیر فهم‌های مشترکی وجود ندارد و رفتار هم به تنهایی چیزی به او نمی‌گوید.
- ۳- «دیگری» بر اساس تعریف جدید خود از وضعیت، به کنش خود دست می‌زند. این هم مانند کنش «خویشتن» به علامتی درباره نقشی که «دیگری» می‌خواهد برگردد و نقش متناظری که می‌خواهد. «خویشتن» را در قالب قرار دهد، قوام می‌بخشد.
- ۴- «خویشتن» کنش «دیگری» را تفسیر و پاسخ خود را آماده می‌کند. این تفسیر، مانند تفسیر «دیگری» بازتاب توصیف‌های اولیه از وضعیت و هر یا دیگری‌ای که در پاسخ به همدیگر اطلاعات ناهماهنگ صورت گرفته می‌باشد.

اما مشاهده می‌شود که آداب و رسوم‌ها قرن‌ها بدون تغییر پابرجا می‌باشند و به آن عمل می‌شود و تابع هیچگونه قواعد مدرن یا مدرنیستم یا نظریه‌های گوناگون نیستند. چگونه می‌توان این معما را حل کرد.

هنگامی که خاطرات جمعی خلق شدند، زدون تأثیرات بلند مدت آنها دشوار خواهد بود. حتی اگر اکثر افراد در هر لحظه خاصی از زمان آنها را فراموش کرده باشند.

پس از بیان و تعریف هویت که اساس آن ساختار می‌باشند و ساختار دو نظام اجتماعی شامل سه عنصر است: ۱- شرایط مادی ۲- منافع ۳- انگاره‌ها این عناصر اگرچه در ارتباط هستند در یک معنا از یکدیگر متمایز می‌باشند و نقش‌های متفاوتی در تبیین دارند اهمیت شرایط مادی تا حدی یا منافع قوام پیدا می‌کند. اما این دو یک چیز نیستند. بعد معنایی ساختار اجتماعی را حال می‌توان به عنوان «توزیع شناخت» تلقی کرد توزیع شناخت پدیده‌ای وسیع‌تر از توزیع منافع است و شامل عنصر ذهنی منافع و باورها و انتظار عام می‌شود. توزیع شناخت هم شامل باورهاست و هم بخش وسیع از خواست‌ها. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۸-۲۰۵)

- نهادگرایی و مسئله ساختار/ کارگزار

نهادگرایی نوعی تجزیه و تحلیل اجتماعی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دهد. هرچند در ظاهر به نظر می‌رسد که انجام یک رفتار بستگی به تصمیم فرد دارد اما نهادگرایان تصمیم افراد را در ساختار نهادها تحلیل می‌کنند؛ و در تحلیل‌های خود برای نهادی اولویت قائل می‌شوند و ویژگی‌های اصلی نهادگرایی عبارتند از: قانون‌گرایی، ساختارگرایی و تحلیل هنجاری نهادگرایان از این جهت ساختارگرا هستند که به وجود قوانین و ساخت‌های دیر پا و تغییر ناپذیر اذعان دارند. از همین جاست که می‌توان ردپای نوعی جبرگرایی را در اندیشه و مبانی ایشان پیدا کرد. (حقیقت، ۱۳۸۹: ۵-۴)

- ساختارگرایی و مسئله ساختار/ کارگزار

ساختارگرایی به شکل مشخص در مقابل اراده‌گرایی قرار می‌گیرد؛ چرا که نقش فرد در وقوع رخداد‌های اجتماعی را مهم قلمداد نمی‌کند. ساختارگرایان معتقدند ساختارهای تعیین‌کننده کارگزاران هستند؛ بنابراین پژوهشگر اجتماعی به جای اینکه گزینه‌های افراد را مورد بررسی قرار دهد، باید شالوده اساسی ساختارهای اجتماعی را پیدا کند. افراد فراتر از چارچوب‌ها یا ساختارها نمی‌توانند عمل کنند و کنش فردی در داخل ساختار امکان‌پذیر است. ساختار بر سه محور مادی، منافع، انگارها خصیصه‌ای از سیستم اجتماعی است که در طول مدتی طولانی پدیدار می‌ماند. در تعریف لوی استروس ترکیبی از همبستگی اجزای یک مجموعه با هدف معین (مفهومی اعتباری و ذهنی) مدنظر باشد. برخی ساخت را به قوانین ثابت و لایتغیری که در همه سطوح زندگی انسانی از شکل بدوی تا پیشرفته مدخلیت دارد، تعریف کرده‌اند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵۲-۲۵۰) ساختارگرایان اطمینان داشتند که روش را یافته‌اند که منجر به کشف معنای حقیقی، نهایی و ذات باورانه در هر موضوع مورد بررسی‌شان خواهد شد.

ساختار در سیاست

ساختار فکری از طریق سه سازوکار به هویت‌های کنشگران شکل می‌دهد. سازوکاران بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند و ساختار و کارگزار همدیگر را قوام می‌بخشد و سه نوع قاعده: ۱- تعلیمی ۲- هدایتی ۳- تعهد و سه نوع کنش: ۱- کلامی ۲- اظهاری ۳- هدایتی- تعهدی اعتماد دارند و سازه‌های تمدنی عوامل فرهنگی هویت‌ها و... همراه با این که چگونه به منافع دولت‌ها و الگوهای برآیند شکل می‌دهند. مهم است و بر الگوی جهانی برای تعامل اثر می‌گذارد. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۲۸)

به عقیده نویسنده هویت احیاء کننده آسیای میانه و حوزه تمدنی ایران از قرن هفتم

میلادی (قرن اول هجری) پذیرای دین اسلام تلفیق دو عنصر ملیت و دین بستر همکاری و همراهی نواحی مجاور را فراهم آورد. تلقی پویایی سازه‌انگاری به عنوان جهان را چونان پروژه در حال برساخته شدن می‌داند. Becoming که گونه‌ای واقعیت در حال شدن است تا در حالت بودن در منفی (Adler, ibid:11) و هویت را امری محوری در سازه‌انگاری عنوان می‌کند. تصویرات یا انگارها از ناحیه بازیگران و اهداف خود را مشخص می‌کنند و به کنش می‌پردازند و رابطه ساختار شکل می‌گیرد. نویسندگان بر این باور است باید از افراط و تفریط برحذر بود. پیرامون هستی‌شناسی ماده و معنا مکمل هم می‌باشند. هر کدام دارای ظرفیت وجودی و تعریف مفهومی خود به عنوان بازیگر در تمام عرصه زیستی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به-خصوص در عرصه بین‌المللی نقش‌بازی می‌کنند؛ بر اساس حرکت او ذهن است و انگاره‌ها و هویت در چارچوب ساختار و کارگزار با کمک، زبان و آداب و رسوم و دین یکدیگر را قوام می‌بخشند، و فرهنگ و تمدن را شکل می‌دهند و هویت در تغییر و تبدیل و زایش است اما از بین نمی‌رود و یکی از عناصر ارتباطات همگرایی است که نقش بسزایی در توسعه پایدار دارد.

چارچوب مفهومی

- رابطه جمهوری اسلامی ایران با منطقه آسیای میانه از لحاظ تاریخی

سرزمین کهن باستانی ایران را با نام فارسی، ایران و عربی «بلاد لعجم یا بلاد الفرس» و نام لاتین «پرشیا» می‌شناختند. (رمضانی خرد مردی، ۱۳۹۷: ۱۱) مورد پژوهش از لحاظ مکانی در آسیای میانه که حدوداً در اوایل قرن ۱۹ میلادی قسمتی از سرزمین تمدنی باستان، که مرکز آن ایران و بیج با سابقه تمدنی هفت هزار ساله و ۷۰۰ سال قبل میلاد امپراطوری با حکومت متمرکز مشابه با مدرن امروزی، متاسفانه با قرارداد گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی برابر با ۲۹ شوال ۱۲۸۸ هجری قمری و عهدنامه ترکمانچای در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ میلادی برابر با ۵ شعبان ۱۳۰۱ هجری قمری آسیای میانه و قسمت‌های دیگر از سرزمین ایران با دسیسه‌ها و فشار امپراطوری تزار روس از ایران جدا شدند. مورد پژوهش در آسیای میانه کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان را شامل می‌شود که از فرهنگ و تمدن غنای تاریخ کهن باستان برخوردار است، گواه آن آثار باستانی کشف شده در این منطقه و انطباق آن با کتیبه‌های استان فارس، تخت جمشید و طاق کسری و پاسارگاد و طاق‌بستان استان کرمانشاه و سایر نقاط دیگر می‌باشد که ریشه آن به زمان داریوش سوم بر می‌گردد. حوادث روزگار ناملايمات و ملايمات خواسته و ناخواسته بر آن تحمیل شد گرچه ملت‌های باستانی منطقه با هویت تمدن مشترک بر اثر بی‌کفایتی‌ها و با شمشیر حماقت و

ناعدالتی گسسته شدند و فواصل مرزی آنها را گاه‌ها در مقابل هم قرارداد داده هنوز دارای مشترکات عمیقی هستند که می‌تواند دوباره در قالب جدید استمرار داشته باشد. این منطقه با آثار باستانی و نمادها و ابنیه‌ها در امتداد عناصر وارث تمدنی ایران باستان بوده است تا جایی که اسامی شهرهای مهم و نام ابنیه‌ها هنوز هم به نام‌های فارسی مزین می‌باشد. برای مثال پسوند «ستان» برای بازگشت به فرهنگ گذشته خود در نام کشورها عبارتند از: ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان (کوالسکی، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۰) و آثار مشاهیر فارسی زبان رودکی، ابوسعید ابوالخیر، مختوم قلی، فارابی، ابوعلی سینا، امیرعلی شیرنوایی و غیره (گلی زواره، ۱۳۷۳: ۹۶-۹۳) و اماکن زیارتی و وجود هزاران مساجد و تکایا که عموم اهالی منطقه حنفی مذهب محب اهل البیت^(ع) می‌باشند که مباهات طرفین است. اندیشه فرهنگ تمدن عرصه‌ای پایان‌ناپذیر هرچه به آن می‌پردازیم به همان میزان نیز توجه می‌طلبد. اندیشه فرهنگ همانگونه که سبکی است علمی و مبتنی بر دانش عام و دانش خاص و تعریف پذیر در همان حال نیز نوعی عرفان است. چراغ راه سالک است و در هر سه حوزه و مکتب اندیشه، فرهنگ آمیخته است. با فکر و رویکرد تمدنی (پهلوان، ۱۳۷۸: ۶۴) برخلاف بسیاری از کشورهای جهان که تاریخی کوتاه از هویت ملی دارند، ایران جامعه‌ای با هویت تاریخی، فرهنگی و سیاسی ریشه‌دار در زمره ملت‌های باستان و از پایه‌گذاران تمدن کهن محسوب می‌شود. هویت ملی ایران به آرامی و در طی تاریخی طولانی شکل گرفته و استحکام یافت و مانند چتری فراگیر در سرخرده هویت‌های درون مرزهای سیاسی این سرزمین گسترده گردیده است.

عناصر و مؤلفه‌های سازنده هویت ملی ایرانی از جمله عنصر سرزمینی، تاریخ، میراث سیاسی و فرهنگی و دینی مشترک ایرانیان از چندین قرن قبل از میلاد مسیح شکل گرفته و در دوره‌های بعدی همراه با فراز و نشیب‌ها و چالش‌های متعددی استمرار یافت. (احمدی، ۱۳۸۹ و پرتوی، ۱۳۹۶: ۲۱) که به اختصار عبارتند از: ۱- دوره باستانی (اشرف، ۱۳۷۲: ۲۶) و پرتوی، ۱۳۹۶: ۲۲) ۲- دوران صفویان (خدوری، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۵ و پرتوی، ۱۳۹۵: ۲۹) ۳- دوران قاجاریه (الگار، ۱۳۷۵: ۲۱۷-۲۶۳ و پرتوی، ۱۳۹۵: ۶۲) تا شکل‌گیری جنبش مشروطه (مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۰-۵) ۴- پیروزی انقلاب اسلامی (الگار، ۱۳۷۵: ۲۷۸-۲۶۵ و پرتوی، ۱۳۹۶: ۴۸) ۵- تغییرات ژئوپلیتیکی جدید آسیای میانه و نفوذ بیگانگان در این منطقه با توجه به سرزمینی که به خاطر تهاجم بیگانگان و طعمه‌ورزی استعمارگران دچار تحولات و چالش‌هایی در ابعاد سرزمین و وسعت و اقتصادی و مذهبی را به خود دیده است. مؤلف درصدد بیان حوادث تاریخ ناگوار ۱۸۱۳ میلادی در عهدنامه با قرارداد ترکمنچای منطقه آسیای مرکزی با آسیای میانه نام

نهادند پنج کشور کنونی: ۱- ترکمنستان ۲- ازبکستان ۳- تاجیکستان ۴- قرقیزستان ۵- قزاقستان بالاجبار از ایران جدا شدند (تقوی اصل، ۱۳۹۴: ۵۳). برای بیان مشترکات تمدنی در ابعاد مختلف به‌خصوص هویت عناصر وارث تمدنی ایران با آسیای میانه در جهت توسعه و همگرایی مشترک هویت فرهنگی و اقتصادی و امنیتی آثار تمدنی و فاصله آن به مدت هفتاد و چهار سال در جهت واگرایی تحمیلی که در سیطره اتحاد جماهیر شوروی با نظام کمونیستی بوده است با واکاوی و بازبینی مشترکات بررسی جایگاه هویت در توسعه چند جانبه روابط جمهوری اسلامی ایران با آسیای میانه بر اساس رهیافت سازه‌نگاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

آسیای میانه امتداد ژئوپولیتیک ایران است. به آسیای میانه صرفاً نباید به‌عنوان تهدید نگاه کرد بلکه یک فرصت و آسیای میانه میراث‌دار تاریخ و فرهنگ ایران است. جزء حوزه تمدنی ایران محسوب می‌شود؛ زبان فارسی حضور کهن و ریشه‌داری در این منطقه دارد؛ این پیوستگی و آمیختگی سرنوشت مارا به هم پیوند زده است. ایران با تعامل فعال و حضور سازنده در این منطقه می‌تواند سریع‌تر و کم هزینه‌تر راه توسعه‌اش با کشورهای همسایه را هموار کند.

از آن طرف خلاء ایجاد شده در منطقه‌ای که مدتی حدود دو قرن تحت حاکمیت تزار روسیه و شوروی بوده که از لحاظ سوق‌الجیشی، استراتژیک، ترانزیت ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک اهمیت بالایی دارد با شرایط کنونی و جهان در حد هارتلند، مطرح است. چشم و طمع دیگران را نسبت به منطقه به خود جلب کرده است. (نزاکتی، ۱۳۹۶: ۴۹-۴۶ و فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۵۷) از طرفی روسیه به راحتی نمی‌خواهد آنها را از دست بدهد و با منافع ملی‌اش در تضاد می‌باشد و هنوز خود را وارث اصلی می‌داند و رقیب‌ها را به چالش می‌کشد و به راحتی نمی‌خواهد امنیت‌اش در خطر و منافع ملی‌اش مورد تهدید بیگانگان قرار گیرد. در ارتباط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کاملاً مشخص و محرز است. این ساختار حدود قرن ۱۹ و ۲۰ به اختصار نمایانگر اوضاع کشورها پیرامون مسائل سیاسی و اقتصادی سوق‌الجیشی و روابط بین‌المللی بوده است. نکاتی که باعث واگرایی در آن دوران شده است از آن پرهیز کرد و جاده ابریشم فراموش شدنی نیست و دوباره خلاء آن احساس می‌شود. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۴: ۲۵-۱۵) سیر تاریخی منطقه و وجود آثار تمدن‌های کهن باستان، سامانیان، ساسانیان، هخامنشیان، سلجوقیان، گواه ارتباط تنگاتنگ ایران باستان با آسیای میانه می‌باشد. (کولایی (طبرستانی)، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۱) از لحاظ توپوگرافی بیشتر منطقه را احاطه کرده که بزرگترین کشور از لحاظ مساحت قزاقستان است. ۲۷۲۴۰۰۰ کیلومتر مربع و قرقیزستان با ۱۹۹۹۰۰ کیلومتر مربع، ترکمنستان ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع، تاجیکستان ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع است و ازبکستان

۴۴۷۴۰۰ کیلومترمربع است که با جمعیت ۳۲.۰۰۰.۰۰۰ نفر پرجمعیت‌ترین کشور آسیای میانه است. (کولایی (طبرستانی)، ۷۷-۷۳) به طور کل در طول تاریخ کمتر یک قدرت توانسته است بر این منطقه به صورت یکپارچه دور از دغدغه حکمرانی کند آن هم به علت وجود زبان‌های مختلف و حکومت دست‌نشانده و ترکیب جمعیتی ناهمگون تقسیم‌نشدن منابع و شرایط جغرافیایی و تفاوت‌های آن، تقسیم برون بومی به طور کل وسعت منطقه حدود ۴.۲۰۰.۰۰۰ کیلومتر و جمعیت آن حدود ۷۵ میلیون نفر را در خود جای داده است. (همان: ۷) نزدیک‌ترین جا به اروپا و آسیاست که به عنوان اوراسیا مطرح است نزدیک‌ترین راه به اروپاست. از لحاظ سوق‌الجیشی در طول تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و تا حدودی در قلب آسیای غربی، هارتلند نامگذاری شده است. (نزاقتی، ۱۳۹۶: ۱۲۴ و خیری، ۱۳۷۹: ۱۸۸ و کامینگر، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۴) بعد از خاورمیانه می‌توان دومین مکان از لحاظ وجود منابع غنی و سرشار را در خود جای داده است که فرید ذکرها آن را خاورمیانه دوم نامید. کانی‌های فسیلی، نفت و گاز و معادن فلزات گرانبه‌قیمت طلا، اورانیوم، کشاورز، منابع بکر، آب فراوان در تاجیکستان صنعتی هوا و فضا در قزاقستان، ماشین‌سازی در ازبکستان و بازار وسیع اهمیت خاصی دارد. (کولایی (طبرستانی)، ۱۳۹۶: ۱۶۲-۱۴۷) با توجه به دو ابرقدرت در منطقه به صورت حایل آن را احاطه کرده است در قسمت شرق آن چین و در غرب آن اتحاد جماهیر شوروی سابق و روسیه فعلی کمتر به خود آرامش را دیده و حکمران دائماً توأم با دغدغه و سرکوبگری تحت کنترل خود داشتند. عموماً درگیر جنگ داخلی یا اختلاف با همسایگان به خود مشغول بودند. در قسمت شمال غربی با سردترین مناطق کره زمین یعنی سبیری با سرما مواجه است و در قسمت میانی با گرمای حاره و خشک، خشک متعادل، در قسمت مرکزی و در جنوب با فاصله بسیار کم می‌تواند با آب‌های گرم جهان از طریق ایران ارتباط برقرار کند. (کامینگر، ۱۹۶۷) از لحاظ مکانی با فاصله کم به اروپا، آسیا حتی به آفریقا از طریق خشکی و آبی می‌تواند دسترسی داشته باشند و از طریق ایران از تنگنای ژئوپلیتیک‌رهایی پیدا کند و این موقعیت برای این منطقه منحصر به فرد است و کشورهای دیگر از این نعمت کمتر، یا اصلاً برخوردار نیستند. در مجموع این امتیاز در کنار شرایط جغرافیایی و اقلیمی و اقتصادی و سیاسی و حتی نظامی توانسته نظر سایر کشورهای ضعیف و قوی را به خود جلب نماید. به هر ترفندی روی آورند تا بتواند به اهداف خود برسند و وجود چند کشور هسته‌ای در منطقه روسیه، چین، پاکستان و هند (شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۱۴) اشتراکات کهن تاریخی دغدغه فکری امریکا تبدیل شده و این کشور درصدد است که با استفاده از همه

امکانات از ظهور ایران یک کشور باظرفیت به عنوان رهبری منطقه جلوگیری کند. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۴: ۲۲۴-۱۴۷) بدون شک با سیاست خارجی و منافع ملی ایران در تضاد است و توسعه کشور ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد.

حال اگر تهدید سنتی ایران از دلان شمال را هم بر این تهدید جدید اضافه کنیم حساسیت قضیه بیشتر برای ما روشن شده است معلوم می‌شود که با فروپاشی شوروی نه تنها پتانسیل تهدید از شمال ایران از بین نرفته بلکه با حضور آمریکا در منطقه افزایش یافته است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۴ و رئیسی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) و می‌شود آن را به فرصت تبدیل کرد در غیر این صورت با کشورهای منطقه نمی‌توان روابط حسنه داشته باشیم.

منطقه بازار مصرف کالاهای ایرانی و میدان تمرین صادرات صاحبان صنعت و سرمایه ایران است. امکانات صنعتی و مواد موجود در آن مکمل اقتصاد ایران می‌تواند باشد و برعکس. با عنایت به مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی بر شمرده درسطور فوق، اهمیت فوق‌العاده این منطقه برای منافع ملی ایران به وضوح آشکار می‌شود و نشان می‌دهد که این منطقه که میدان فرصت و تهدید برای کشورمان است نوع عملکرد ماست که رابطه ما را با یکی از این ظرفیت‌ها تعیین می‌کند.

در این مقاله با توجه به رخداد‌های شتابان در عرصه بین‌المللی با حوادث قرن‌های پیش بسیار متفاوت که در گذشته به کندی تغییر و تحولات مثبت و منفی با ابزارهای ساده‌تر و زمان بیشتری را لازم داشت شاید بتوان گفت اواخر قرن ۱۹ و قرن بیست و اوایل قرن بیست و یکم را با تمامی تاریخ مساوی نباشد؛ برابری می‌کند. تغییرات و تحولات در قرن‌های گذشته بازیگران آن تا حدودی همگانی بوده قرن نوزده را تفسیر و واکاوی کنیم. کشورهای بازیگر پرتغال، هلند، اسپانیا، بلژیک، انگلیس، فرانسه، ژاپن، آلمان ویلهمی، آلمان نازی، آلمان هیتلری، ایتالیا، امپراتوری عثمانی، روسیه تزاری، اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا که عموماً این دو امپراتوری و چین سراسر قرن ۱۹ و ۲۰ مناطق مختلف به‌خصوص آسیای میانه را مورد میدان تاخت و تاز خود قرار دادند، می‌توان بحث اتحاد جماهیر شوروی با اقمار شرقی و آمریکا با اقمار غربی تحت عنوان دو قطب حدود ۶ دهه از تاریخ را به صورت صلح، مسلح توأم با وحشت یا هسته‌ای طی شد. تا سال ۱۹۷۹ میلادی منجر به سقوط اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شدن به ۱۵ کشور شده (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۳) و آمریکا به عنوان ابرقدرت یک تاز در صحنه بین‌المللی به بازیگری مشغول است و این دوره دهه چهارم را طی می‌کند و در این فرصت مناسب روسیه به بازبینی و آسیب شناسی خود توانست رشد بسیار بالایی را طی کند

و درصدد احیای امپراتوری را در سر می‌پروراند و روش بازیگری قبلی تبدیل به روش نوین و تا حدودی درصد همپایی و برابر آمریکا را به شکل جدید طی می‌کند و موفق هم بوده است. (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴۷ و کرجی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

فروپاشی شوروی با انقلاب اسلامی ایران با اختلاف کمی رخ داده است.

- چالش‌هایی که می‌توان بر اساس هویت و عناصر مشترک تمدنی تبدیل به فرصت کرد

۱- ذکر ادوار مختلف و رخدادهای گذشته: ۱- دوره باستان ۲- دوران صفویان ۳- دوره

قاجاریه تا شکل‌گیری جنبش مشروطه

۲- انقلاب اسلامی ایران و سقوط نظام دیکتاتوری پهلوی

۳- فروپاشی شوروی

۴- تبدیل شدن جهان دوقطبی به تک قطبی حداقل برای چند دهه به رهبری آمریکا

۵- رشد جمعیت جهان و احتیاج به منابع زیاد کشورها

۶- سرعت انتقال اطلاعات در قالب انفورماتیک یا همان عصر انفجار اطلاعات

۷- تغییر روش بازیگری در عرصه بین‌المللی

۸- تعریف جنگ از دیدگاه‌های مختلف که دو شاخه عمده: ۱- نرم افزار ۲- سخت افزار

۹- محدودیت انرژی و کاهش آن در سطح جهان

۱۰- ایجاد بحران‌ها، آب و هوا، محیط زیست

۱۱- تروریسم

۱۲- مواد مخدر

۱۳- به طور کامل داعیه رهبری جهان یا جهانی‌سازی

۱۴- پایان تاریخ

۱۵- جنگ تمدن‌ها

۱۶- طرح خاورمیانه بزرگ

۱۷- دولت خودخوانده داعش

۱۸- شکل‌گیری محور مقاومت

۱۹- اوج جنگ یمن و عربستان و امارات

۲۰- تهدید منطقه انرژی فسیلی جهان در قالب جنگ عربستان سعودی و امارات متحده

عربی و یمن

۲۱- مهمترین مسئله‌ای حایز اهمیت ایران است، پازل تکمیل‌کننده آسیای میانه، ترانزیت،

استراتژیک، ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچری (نژاکتی، ۱۳۹۶: ۵۰ و شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۱۷) با توجه به قرار گرفتن آسیای میانه در خشکی. (تقوی اصل، ۱۳۹۴: ۱۲۸)

جهان کنونی در مخمصه و تنگنای انرژی قرار دارد. عبور از آن یقیناً با اصطکاک مواجه خواهد شد. حال برای رهایی از اوضاع کنونی جهان و مشکلات فراوان منطقه‌ای و بین‌المللی باید از لایه‌های بسیار فشرده و پیچیده منافع ملی کشورهای منطقه و خارج از آنکه به جد در صدد نفوذ در منطقه هستند جمهوری اسلامی ایران باید با تدبیر و مدیریت از داشته‌های خود استفاده کند تا بتواند روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی را با آسیای میانه مستحکم نماید و فرصت را به دیگران واگذار نکند و به نحو احسن از آن بهره‌برداری کند و در چارچوب به رسمیت شناختن کشورهای منطقه و برقراری جایگاه هویت در جهت توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با آسیای میانه بر اساس رهیافت سازه‌نگاری و حفظ منافع طرفین در قالب رابطه برد- برد گام‌هایی برداشته و با آسیب‌شناسی توسعه روابط بر اساس هویت با رهیافت سازه-انگاری تقویت نماید.

با توجه به گذشته مشترک، و پتانسیل بالای آسیای میانه از لحاظ انرژی سرشار فسیلی، نفت و گاز، اورانیوم، طلا، فلزات گرانبه، کشاورزی و از لحاظ ژئوپولیتیک و آسیای میانه در خشکی محصور شده است. با توجه به مشترکات ذکر شده مکمل در جهت حفظ منافع ملی، جلوگیری از بحران منطقه و ارتقاء امنیت در منطقه باشند. در راستای توسعه روابط بین آسیای میانه و جمهوری اسلامی ایران نقش مکمل را داشته باشد.

این نوشتار در صدد نگرش سیاسی، اقتصادی، امنیتی در قالب هویت و عناصر مشترک وارث تمدنی در جهت تأمین منافع و امنیت ملی مشترک عادلانه تعبیر شده است. واگرایی و از دست دادن منافع ملی و انشقاق فرهنگی، ناامنی از آن ناشی است، با تحول اساسی پس از انقلاب اسلامی برقراری رابطه با آسیای میانه و جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآورده و زمینه را برای اهداف مطروحه فراهم سازد. این دلایل متعدد می‌تواند روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی امنیتی بر اساس هویت بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای میانه، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان را جهت حفظ ملی و تأمین امنیت طرفین را تضمین کند.

با مطالعات تاریخی و روند سیاست اول استعمار طمع آنها به منطقه و اهمیت سرشار انرژی و منابع کانی‌های گرانبه برای چپاول و دست‌اندازی در ادوار مختلف تاریخ و به منطقه لشکرکشی کردند. دوره‌های مختلف، عبارتند از: قبل از اسلام، بعد از اسلام (آشتیانی، ۱۳۷۰:

تلفیقی از ماده و معنا پیوند زد. در چهارچوب ساختار و کارگزار با محوریت نهادها مدرن و پست مدرن، پوزیتیویستی را با پسا اثباتگرا در حیطه نظریه و فرا نظری هم‌گام و همراه ساخت. به عقیده نویسنده و مؤیدات بیان شده رخداد جنگ جانی اوّل و دوّم، و نارسایی در تبیین جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و تبدیل جهان به تک قطبی با مشکلات پیش رو، رشد آنارشیسم، تروسیم نوین، افزایش قاچاق و غیره. کاستی نظریات قبلی از آرمانگرایی تا لیبرالیسم است.

نویسنده معتقد است در چهارچوب هویت‌ها و قوام بخشیدن ساختار و کارگزار که در بطن جامعه کمون نظام بین‌الملل است در روابط انسانی تولید و بازتولید می‌شوند. بحث خود، دیگری، خویشتن و هنجارها بر ساخته می‌شوند و در طی زمان همگونی یا اشتراکات را در جهت همزیستی در یک پروسه یا فرآیند در چهارچوب قواعد بازیگران به صورت کنش و واکنش به عنوان یک رهنمود پیشنهاد می‌دهد. مدعی است خلاء عظیم علوم اجتماعی و روان شناختی بر الگو فرهنگ‌ها در نظام بین‌الملل نادیده گرفته شد. یا کمرنگ بوده است. اولویت مادی‌گرایی همچنان بر نظام بین‌الملل حاکم است گرچه هیمنه آن شکسته شد. نویسنده بر این باور است دخیل فرهنگ غرب و شرق و احترام به هویت‌ها مختلف و تعیین سهم عادلانه هر فرهنگ و استخراج مشترکات انسانی واقعی مادی‌گرایی و معنا محوری در تعاملات بین‌المللی لحاظ شود و از مخاصمات و رقابت‌های غیر منطقی واگرایی به همگرایی سوق داده می‌شود چالش‌ها به فرصت و بستر صلح پایدار فراهم می‌گردد. به ادعای نویسنده انگاره‌های هویتی با منافع ملی فرهنگی محور دیپلماسی قوام پیدا می‌کند. با توجه به ساخت اجتماعی که انسان‌ها آن را از انگاره‌ها به تعامل تبدیل می‌کنند. به اعتقاد نویسنده سازه‌نگاری راه میانه از نظری منسجم‌تر از نظر علمی کاربردی‌تر است در عین فهم تفاوت‌ها در مورد تحلیل شکل-گیری و تثبیت هویت‌های جهان کنونی نیز توانا است و در مسیر چندفرهنگی می‌تواند توازن را به وسیله هویت برقرار سازد و توسعه جامعه انسانی و رشد اقتصادی و امنیتی، سیاسی را با خود همراه داشته باشد. با مؤیدات این پژوهش سازه‌نگاری با تأکید بر هویت ماده و معنا و شکوفایی آن بر مدار صلح تحلیل مبانی امنیت جمهوری اسلامی ایران در پرتوی هویت فرهنگی بر اساس خوانش تئودور آدورنو و ماکس هورک هایمر و با استفاده از روش توصیف نظری و تفسیری به دنبال اثبات خویش است و از فراز ایده‌آلیسم به فرود عملگرایی منتهی می‌شود و توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران با آسیای میانه را با خود همراه دارد.

منابع فارسی

کتاب

- الگار، حامد (۱۳۷۵)، نیروهای مذهبی در قرن هجدهم و نوزدهم در سلسله پهلوی و نیرو-
های مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، چاپ سوم
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، بنیادهای هویت ملی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و
اجتماعی
- تد بنتون، یان کرایب (۱۳۸۴)، فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه
شهناز مسمی پرست و محمود، متحیر، تهران، آگه
- پرتوی، اصغر (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی سیاسی: چالش‌های هویت ملی در ایران معاصر، زنجان،
انتشارات جهاد دانشگاهی زنجان
- تقوی اصل، سید عطا (۱۳۹۴)، ژئوپولیتیک جدید ایران، از قزاقستان تا گرجستان، تهران،
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی انتشارات وزارت امور خارجه
- حقیقت، صادق (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران،
مرکز تحقیقات ریاست جمهوری
- دیوید مارش، جری استوکر (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی
یوسفی، تهران، مطالعات راهبردی
- رضانی خردمردی، حسین (۱۳۹۷)، اتحادیه کشورهای وارث تمدنی ایرانی، تهران، فرهنگ
صبا
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۹)، مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست، تهران، انتشارات
دادگستر
- کولایی (طبرستانی)، الهه (۱۳۹۴)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران، انتشارات
سمت
- کامینگر، سالی. ان (۱۳۹۴)، نگاهی نو به آسیای میانه، ترجمه جاسب نیکفر، تهران، نشر
مخاطب
- مهدوی، هوشنگ (۱۳۷۲)، انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی، تهران، طرح نو، چاپ اول
- مالک ذوالقدر، میرمحمدی (۱۳۹۲)، نظریه روابط بین‌الملل، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
زنجان

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- نزاکتی، فرخنده (۱۳۹۶)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی در آسیای مرکزی، تهران، انتشارات کتاب آوا
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه

مقالات

- اشرف، احمد (۱۳۷۲)، هویت ایرانی، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۳
- (۱۳۸۷)، هویت ایرانی به سه روایت، بخارا، شماره ۶۶
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۹)، سلسله ساختار/ کارگزار در علوم اجتماعی، مجله روش-شناسی علوم انسانی، مقاله ۸، دوره ۱۶، شماره ۶۴-۶۵
- رئیسی، بهروز (۱۳۹۴)، ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان (با تاکید بر نظریه سازه‌انگاری)، سال چهارم
- شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۸۴)، توسعه مناسبات ایران و آسیای میانه؛ رایه راهبردها، جغرافیا و توسعه، شماره ۵، (علمی پژوهشی/ISC)
- شهیدی، محمود (۱۳۸۴)، صلح پست مدرن بر مبنای سازنده‌گرایی، فصلنامه راهبرد ۳۸
- عبدالله رمضان‌زاده، محمد جوکار (۱۳۸۹)، هویت از منظر سازه‌انگاری متعارف و رادیکال، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، سازه‌انگاری به عنوان فراتر از نظریه روابط بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۶۵

English Resources

Books

- Klotz Audie and Lynchcecelia (2006), **Moung beyond the agents structure debate. International studies review**, Vol. 8
- Onuf, Nicholas (1989), **World of our making, Columbia/ sc: university of south Carolina press**
- Ruggiej, G. (1998), **Constructing the world polity essay on international institutionalization**. London and New York, Routledge
- Onuf, Nicholas (1998), **The republican legacy in international**. Thought, Cambridge: Cambridge University Press

- Weber, Cynthia (2002), **International relations theory: A critical introduction**. London: Routledge
- Wendt, Alexander (1999), **Social theory of international politics**. Cambridge University Press

Article

- Adler, Emonuel (2005), **Constructivism and international relations, in: car-snaes**. Walter, rise, Thomad. Handbook of international relations. London: sage pub
- Wendt, Alexander (1992), **Anarchy is what states make of it: the social construction of power politics, international organization**
- Kratochwil, F. (1989), **Rules, Norms and decisions: on the condition of practical and legal reasoning international relations and domestic affairs**

Site

- <http://www.magiran.com>
- <http://sid.ir>
- <http://www.noormags.ir>
- <http://www.ecc.isc.gov.ir>
- <http://www.civilica.com>
- <http://www.pad.um.ac.ir>

